دوفصلنامه تفسیر متون وحیانی- واحد خرم‌آباد
سال پنجم، شماره هشتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳/۱٤٤٦/۲۰۲۵، صص ۱۵۰- ۱۳۲

شهید قاسم سلیمانی؛ الگوی جبهه حق و انقلاب از منظر نهج‌البلاغه

مهدی مرادیان *

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم‌انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸

چکیده

یکی از مطمئن‌ترین راه‌های صیانت از آرمان‌های دین و انقلاب، تربیت نیروها و فرماندهانی خودساخته و بصیر در مسیر انقلاب است؛ زیرا دشمنی مخالفان، کوته‌فکری و جهالت دوستان و عدم بصیرت کافی و تشخیص دقیق و موشکافانه حق از باطل و ده‌ها عامل دیگر، همواره موجب بروز چالش‌هایی برای جریان‌های مدافع جبهه حق و انقلاب شده است. معرفی شهید قاسم سلیمانی به‌عنوان یک الگوی بارز و مطابق با شاخص‌هایی که امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به آنها اشاره کرده است، می‌تواند در تحقق و پیشبرد اهداف انقلاب و جبهه حق، مفید و اثرگذار باشد.

در این مقاله با روش توصیفی – استدلالی این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است: برای اینکه انقلاب اسلامی از بیرون مورد طمع دشمنان و سلطه‌طلبان قرار نگیرد و از درون مردم جامعه نیز دچار تزلزل و آفت تفرقه و زیان‌های متعاقب آن نشوند چه باید کرد؟ نتایج این پژوهش نشان می دهد شهید قاسم سلیمانی، ضمن تطبیق با شاخص‌های ارائه شده در نهج‌البلاغه یعنی تقوا، بصیرت و ولایت‌مداری، همان شخصیتی است که مورد تأیید امام علی (ع) بوده و الگوی جبهه حق و انقلاب است.

واژگان کلیدی: نهج‌البلاغه، جبهه حق، تقوا، بصیرت، ولایت‌مداری، قاسم سلیمانی.

---

* نویسنده مسئول: mahdimoradian۵۸@gmail.com
« روش ارجاع به این مقاله: مرادیان، مهدی؛ (۱۴۰۳). شهید قاسم سلیمانی؛ الگوی جبهه حق و انقلاب از منظر نهج البلاغه، *دو فصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۵ (۸). ۱۵۰-۱۳۲* »

۱- مقدمه

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی قرن معاصر محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۹۵) که به رهبری امام فرزانه (ره) و استمرار آن به پرچم داری مقام عظمای ولایت امام خامنه ای (مُدّ ظله) و عزم راسخ امت بزرگ ایران و وحدت و انسی که بین ولایت و امت بوده و هست، تحقق یافت و مسیر خود را برای رسیدن به آرمانهای بلند طی می کند، البته قطار پر شتاب انقلاب در مسیر حرکتش با موانع بسیاری روبرو بوده و خواهد بود و دشمنان انقلاب با تمام قوا در صدد متوقف کردن آن هستند و از تمام امکانات نیز بهره می برند.

آنچه اکنون و در دوران پس از انقلاب، از اهمیت خاص برخوردار است و باید به‌دقت و با حساسیت مورد توجه قرار گیرد این است که چه باید کرد که این انقلاب با وجود همه‌ی مشکلات و موانع، بتواند همچنان مسیر خود را تا رسیدن به سر منزل مقصود که همان تحقق تمدن اسلامی[۱] و اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی امام عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) می باشد، ادامه داده و بر موانع چیره شود؟

۱- مقام معظم رهبری(مد ظله) در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۹۰ در جمع مردم کرمانشاه، فرایند انقلاب را در پنج مرحله اساسی مطرح کردند؛ مرحله اول، «انقلاب اسلامی» و مرحله دوم نیز «تشکیل نظام اسلامی» است. لذا انقلاب اسلامی، هم اکنون از این دو مرحله عبور کرده‌است. ایشان مرحله سوم تحقق اهداف انقلاب را «تشکیل دولت اسلامی» می‌دانند و انقلاب اسلامی هم اینک در این گام قرار دارد. لذا علاوه بر تشریح و تبین مرحله سوم، تکالیف مردم و مسئولین در این مرحله را نیز برشماری نموده اند. معظم له، مراحل چهارم و پنجم را «تشکیل کشور اسلامی» و «تحقق تمدن اسلامی» ذکر نمودند.

مهم‌ترین عواملی که در راستای تحقق آرمان فوق می‌توان برشمرد «وجود رهبری شایسته و باتدبیر» و «امتی باانگیزه و آرمان‌خواه» و «وحدت بین امت و رهبری» است که البته این وحدت، هم باید در بین اقشار مختلف امت بوده و هم اینکه این امتِ متحد، باید با رهبرشان پیوند قلبی برقرار کرده باشند و گوش‌به‌فرمان و مطیع رهبری باشند، تحقق این سه رکن پیش‌برنده انقلاب، به یک اصل دیگری نیازمند است که امام امت برای رهبری امت به آن نیازمند است و آن وجود الگوها، شخصیت‌ها و فرماندهانی بابصیرت، شجاع و تابع امام امت است.

شخصیت‌ها و فرماندهان انقلابی که بر آرمان‌ها و اصول انقلابی خود استوار بوده و از آن عقب‌نشینی نکنند که در این صورت، انقلاب حرکت خود را خواهد داشت؛ اما وقتی این آرمان‌ها (چه از جانب امت و چه از جانب امام و مسئولین و فرماندهان جامعه) به فراموشی سپرده شود عدم انگیزه و ناامیدی و در نتیجه سکون و توقف و تسلط دشمنان را در پی خواهد داشت. این مقاله تلاش دارد مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی فرمانده بزرگ اسلام و انقلاب، شهید قاسم سلیمانی که مصداق واقعی یک شخصیت تراز انقلاب است را از منظر حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه، مورد بررسی و تبیین قرار دهد.

۲- چارچوب نظری

۲-۱) ضرورت معرفی الگوی شخصیتی به جامعه

در جوامع انسانی، الگوهای شخصیتی نقش مهمی در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند. این الگوها به عنوان سرمشق‌هایی برای رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌شوند و می‌توانند الهام‌بخش نسل‌های مختلف باشند (مطهری، ۱۳۹۳). جوامعی که قادر به ارائه الگوهای مناسب و ارزشمند به افراد خود هستند، زمینه‌ساز

پیشرفت و تعالی خواهند شد، در حالی که نبود چنین الگوهایی ممکن است موجب بحران هویتی و فرهنگی شود (شریعتی، ۱۳۹۸). بنابراین، معرفی شخصیت‌های برجسته‌ای که دارای فضایل اخلاقی، بصیرت و شجاعت هستند، ضرورتی انکارناپذیر در راستای تربیت نسل‌های آینده به شمار می‌آید.

۲-۲) جبهه حق و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های معاصر، بر پایه مفاهیم ارزشی و الهی شکل گرفت و خود را در جبهه حق تعریف کرد. در تقابل با جبهه باطل، این انقلاب توانست با تکیه بر ایمان، رهبری الهی و وحدت مردم، ساختارهای استبدادی و وابستگی به بیگانگان را کنار بزند (خمینی، ۱۳۶۸). جبهه حق در اندیشه اسلامی بر مبنای عدالت، مقاومت و ارزش‌های الهی بنا شده است و انقلاب اسلامی نمونه‌ای بارز از این جبهه به شمار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۹۰). این رویکرد، علاوه بر ابعاد سیاسی، دارای ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز بوده که در حفظ هویت اسلامی و مقابله با هجمه‌های فرهنگی نقش بسزایی ایفا کرده است.

۲-۳) الگوسازی امام علی(ع) در نهج البلاغه

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به‌عنوان نمونه‌ای کامل از یک رهبر عادل و الهی معرفی شده است. سخنان ایشان مملو از توصیه‌های اخلاقی، مدیریتی و اجتماعی است که می‌تواند به‌عنوان الگویی بی‌بدیل در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار گیرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۰). در نهج‌البلاغه، امام علی (ع) اصول عدالت، تقوا، مردم‌داری و مبارزه با فساد را به‌عنوان ویژگی‌های ضروری یک حاکم الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۲). بررسی سیره امام علی (ع) نشان می‌دهد که ایشان نه‌تنها در عرصه حکومت، بلکه در زندگی

شخصی نیز نمونه کاملی از یک انسان وارسته و الگوی جاودانه برای مسلمانان است و برای هر صنف و گروهی از مردم و مسئولان جامعه، شاخص‌های الگوساز ارائه داده است.

۲-۴) شهید حاج‌قاسم سلیمانی

شهید حاج‌قاسم سلیمانی یکی از برجسته‌ترین فرماندهان انقلاب اسلامی بود که باتکیه‌بر ایمان، شجاعت و تدبیر، نقش مهمی در مقابله با گروه‌های تروریستی و دفاع از آرمان‌های اسلامی و ایران ایفا کرد (حسینی، ۱۳۹۹). وی به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، نه‌تنها در میدان‌های نبرد، بلکه در عرصه دیپلماسی مقاومت نیز تأثیرگذار بود (جعفری، ۱۴۰۰). تقوا، بصیرت، ولایت‌مداری، مردم‌داری و روحیه جهادی از جمله ویژگی‌هایی است که وی را به الگویی برای نسل‌های آینده تبدیل کرده است. نام حاج‌قاسم سلیمانی به‌عنوان نماد مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و استکبار جهانی همواره در تاریخ معاصر ماندگار خواهد ماند

۳- بحث و بررسی

۳-۱) ویژگی نخست شهید سلیمانی «تقوا و دینداری»

سیوطی در حدیثی به نقل از ابوامامه آورده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «در زیر آسمان، هیچ بتی نزد خدا بزرگ‌تر از هوا و هوسی که ازآن پیروی شود، وجود ندارد». (سیوطی،۱۴۱۱) لذا مردم جامعه اسلامی در نگاه کلان و مسئولان و فرماندهان انقلاب در نگاه جزیی تر اما پراهمیت‌تر، به هر میزان در آنها اثرات تقوی و دین‌داری و دوری از هوای نفس و حرکت بر مسیر کلام الهی پررنگ‌تر باشد، مردم و انقلابی که برای آن قیام کرده‌اند در جنبه‌های مختلف از امنیت بیشتری برخوردار خواهند

بود همان‌گونه که وقتی (از سوی خداوند) به پیامبر گرامی خدا حضرت محمد (ص) گفته شد: «به‌زودی امّت تو گرفتار فتنه خواهد شد، مردم از ایشان پرسیدند: راه خلاص از آن چیست؟ فرمودند: به کتاب گرامی خدا متوسل شوید، همان که باطل نه از پیش رو و نه از پشت سر بدو راه نیابد» (تفسیر عیّاشی، بی تا)

هر چه مردم و مسئولان به سمت تقوای الهی پیش روند شبهاتی که موجب افتادن آنها در فتنه‌هاست کمتر شده و مسیر روشنی را در پیش می‌گیرند، امام علی (ع) در این باب می‌فرمایند: «ذِمَّتِی بِمَا أَقُولُ رَهِینَةٌ وَ أَنَا بِهِ زَعِیمٌ إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبَرُ عَمَّا بَیْنَ یَدَیْهِ مِنَ الْمَثُلَاتِ حَجَزَتْهُ التَّقْوَى عَنْ تَقَحُّمِ الشُّبُهَاتِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶) یعنی «آن چه می‌گویم به عهده می‌گیرم، و خود به آن پای بندم کسی که عبرت‌ها برای او آشکار شود، و از عذاب آن پند گیرد، تقوا و خویشتن داری او را از سقوط در شبهات (که عامل اصلی رخدادن فتنه است) نگه می‌دارد». ایشان در جای دیگری می‌فرمایند: «فَمَنِ اسْتَطَاعَ عِنْدَ ذَلِکَ أَنْ یَعْتَقِلَ نَفْسَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْیَفْعَلْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) یعنی «در پیدایش فتنه‌ها هر کس که می‌تواند خود را به اطاعت پروردگار عزیز و برتر، مشغول دارد (تا گرفتار شبهات شیطان صفتان نشود)»

تقوای الهی نه تنها موجب جلوگیری از افتادن در فتنه ها می شود بلکه شخص گرفتار را از مهلکه نجات می دهد. خداوند در آیه ۲ سوره «طلاق» می‌فرماید: «وَ مَن یَتَّقِ اللَّهَ یَجْعَل لَّهُ مَخْرَجا» یعنی «و هر که از خدا پروا کند، [خدا] برایش راه بیرون شدن (از فتنه‌ها و گرفتاری‌ها) قرار می‌دهد» سیوطی از عطابن یسار به نقل از ابن عبّاس روایت می‌کند که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره آیه فوق فرمودند: «منظور خروج از شبهه‌های دنیا (فتنه ها) و سکرات مرگ و دشواری‌های روز قیامت است» (سیوطی،

۱۴۰۴) همچنین حضرت علی (ع) در خطبه ۱۸۳ این آیه را تفسیر نموده و مراد از آن را خروج از فتنه‌ها دانسته‌اند.

سردار قاسم سلیمانی نمونه بارز یک شخصیت متدین و باتقوا بود که به معنای واقعی به دنیا پشت کرده بودند، شواهد زیادی می‌توان بر این ادا اقامه کرد از جمله زندگی زاهدانه و به‌دوراز تجملات آن شهید بود که همه شاهد بر آن بوده و قابل تحقیق و بررسی برای کسانی است که باور ندارند که می‌توان یک فرمانده ارشد بود و زندگی در سطح متوسط به پایین‌تر از عامه مردم داشت و در خانواده‌ای ساده‌زیست و بر سر سفره پدری کشاورز و زحمت‌کش بزرگ شد.

دلیل دیگر بر ادعای فوق، این است که شهید سلیمانی هر لحظه آماده برای شهادت، بلکه آرزومند شهادت بودند و بالاتر اینکه در بیابان‌ها به دنبال شهادت می‌دویدند و همین آرزو او را شجاع و جسور کرده و همیشه پیروز میدان‌های نبرد بود. البته پس از سال‌ها گمشده خویش را پیدا کرده و او شهادت و شهادت او را در آغوش گرفت، و همین اوصاف بود که این شهید را محبوب دل‌ها کرده بود و همه شاهد بودند که در تشییع پیکر آن سردار بیش از بیست میلیون نفر شرکت کردند که در دنیا بی‌نظیر است.

البته دیانت صرف برای یک فرمانده تراز انقلاب کافی نیست و باید شاخص‌های دیگر نیز مورد توجه قرار بگیرد چرا که تاریخ سرشار است از نمونه‌هایی اعم از جریان‌های سیاسی، فرق، بزرگان و شخصیت‌های به‌ظاهر متدین که صرفاً دارای ویژگی تدین بوده؛ اما از دیگر ویژگی‌های شخصیتی تراز جبهه حق بهره‌مند نبوده‌اند و به همین دلیل لطمه‌های جبران‌ناپذیری را بر پیکر اسلام و مسلمین وارد کرده‌اند، از باب نمونه می‌توان به تفکر رهبانیت و افراد پیرو این تفکر مثل عاصم بن زیاد حارثی (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۹) و عثمان بن مظعون (مجلسی، ۱۴۰۳) اشاره کرد؛ زیرا در روایتی از پیامبر اکرم

(ص) آمده است: «لَیسَ فی امَّتی رَهبانِیةٌ، و لا سِیاحَةٌ، و لا زَمٌّ » (همان) یعنی در امت من گوشه گیری، سیاحت و سکوت وجود ندارد. منظور از رهبانیت، گوشه گیری و دوری از لذات مادی از جمله ازدواج، و پرداختن به عبادت صرف است. سیاحت معنایی شبیه به رهبانیت دارد. در لسان العرب آمده است: سیاحت عبارت است از: سیر در زمین برای عبادت و رهبانیت (لسان العرب، نک. سَیَحَ). با توجه به اینکه «رهبانیت» و «سیاحت» هردو در یک حدیث آمده، بعید نیست تفاوتی ظریف میان آنها باشد. ممکن است کسی که رهبانیت را بر می گزیند، از شهر یا روستا خارج نشود اما در سیاحت، شخص از مردم هم دور می شود. در مورد «زم» به معنای سکوت، ظاهراً به قرینه‌ی «رهبانیت» که در روایت آمده، اشاره به روزه ی سکوت دارد که در مسیحیت بوده است و شامل هر سکوتی نمی شود.

۳-۲) ویژگی دوم شهید سلیمانی «بصیرت سیاسی- انقلابی»

بهترین راه جلوگیری از بروز فتنه و انحراف انقلابیون از مسیر انقلاب، بصیرت‌افزایی است، بصیرتی که چون در خوارج نبود نه‌تنها به رهبر خود پشت کرده؛ بلکه با شمشیر در مقابل علی (ع) ایستادند و در نهایت، نقشه قتل آن حضرت را طراحی و اجرا نمودند، نبود بصیرت یعنی اینکه اصحاب صدر اسلام که با پیامبر (ص) حشرونشر داشته‌اند و در رکاب امیرالمؤمنین جنگیدند روزی در مقابل حسین بن علی (ع) قرار می‌گیرند و فربة الی الله، سر از بدن نوه پیامبر جدا می‌کنند، اگر بصیرت نباشد تشخیص اینکه امام‌جماعت، حسین بن علی (ع) باشد یا شمر و ابن سعد، مشکل و سردرگمی، ایجاد می‌شود.

حضرت علی (ع) نقش مهم بصیرت، صبر و علم را در حفظ پرچم اسلام و انقلاب به زیبایی بیان داشته و می‌فرمایند: «وَ لَایَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ وَ الْعِلْمِ [بِمَوَاقِعِ] بِمَوَاضِعِ الْحَقِّ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۳) یعنی تنها کسی می تواند پرچم (حق)

را حمل کند (و گرفتار فتنه و تشابه حق و باطل نگردد) که سه نشانه داشته باشد؛ اول اهل بصیرت، دوم شکیبا و سوم اینکه آشنا و عالم به مواضع حق باشد.درجایی دیگر، امیرمؤمنان(ع) خطاب به فرزند خویش، امام حسن مجتبی(ع) می‌فرمایند: «کُن فِی الفِتنَةِ کابنِ اللَّبونِ؛ لا ظَهرٌ فیُرکَبُ و لا ضَرعُ فَیُحلَبُ» (نهج البلاغه، حکمت ۱) هنگام فتنه، (چنان با بصیرت و تشخیص باش که) همچون بچه شتر دو ساله باش؛ نه پشتی دارد تا سوارش شوند و نه پستانی تا شیرش بدوشند (اجازه هیچ گونه سوء استفاده ای را نمیدهد) شخص با بصیرت کسی است که بتواند علی(ع) و معاویه را از هم تفکیک کرده و تشخیص قرآن بر نیزه و قرآن ناطق برای او، امر پیچیده ای نباشد.

این شاخص بسیار مهم و رکن اساسی و نجات‌بخش در وجود ابرمرد بصیرت، حاج‌قاسم سلیمانی ظهور و بروزی به‌روشنی خورشید داشت، اگر در یک‌کلام بخواهیم بصیرت یا شخص بابصیرت را تعریف کنیم می‌توان گفت که شخص بصیر کسی است که در تشخیص دوست از دشمن دچار خطا نمی‌گردد، دشمن را با تمام ویژگی‌ها و ابعاد و تاکتیک‌های آن شناخته و دوستان را هم خوب می‌شناسد و می فهد دوست واقعی کیست؟ و منافق چه رویه‌ای دارد؟ و در این امر سردرگمی و تزلزل ندارد و تحت‌تأثیر تبلیغات و جوسازی‌ها و عوامل احساسی قرار نمی‌گیرد.

بصیرت سیاسی انقلابی یا همان دوست و دشمن‌شناسی، شرایط و ابعادی دارد که شهید سلیمانی در تمام آنها در نقطه اوج بود، شرط اول اینکه شهید سلیمانی دشمنان را از هم تفکیک کرده و آشکار و پنهان آن را می‌فهمید و خطر هر کدام را به میزان خودش درک می‌کرد و این سرمایه را از مکتب مولای متقیان آموخته بود و می‌دانست که خطر دشمنان پنهان، بسی بیشتر از دشمنان آشکار است چرا که می‌دانست از دیدگاه امام (ع) کم‌خطرترین دشمن، دشمنی است که دشمنی خود را آشکار کرده است؛ زیرا حضرت در

این زمینه فرموده‌اند: «اَوهَنُ الاَعداء کَیدا مَن اَظهَرعِداوَته» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷) یعنی سست‌ترین دشمنان، کسی است که عداوتش را آشکار ساخته است، سست ترین یعنی کم‌خطرترین دشمن دشمنی است که عناد خود را آشکارا بروز داده و در روز روشن، شمشیر می‌کشد، همچنین حضرت می‌فرمایند: «مَنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ» (آمدی، ۱۴۱۰) آن کس که دشمنی‌اش را اظهار کرده، توطئه و مکرش کم است، همچنان‌که در نقطه مقابل این، خطرناک‌ترین دشمن، دشمنی است که دشمنی‌اش را پنهان می‌کند، همان که قرآن کریم نامش را نفاق گذارده است. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «شَر الاَعداء اَبعَدهم غَوراً و اخفاهم مَکیدةً» (همان) بدترین دشمنان کسی است که عمیق‌تر بوده و بیشتر حیله‌اش را مخفی می‌دارد در سخنی دیگر فرمود: «اَکبَرُ الاَعداءِ أخفاهم مَکیدةً» (کاشف الغطاء، ۱۳۵۴) بزرگ‌ترین دشمنان کسانی‌اند که حیله خود را بیشتر پنهان می‌دارند این دشمنی خطرناک‌ترین دشمنی‌ها است که می‌تواند تخم فتنه را در جامعه پخش کند و شخص با بصیرت کسی است که دشمن منافق را تشخیص داده و بتواند با آن مقابله کند و فریبش را نخورد.

شهید سلیمانی این قدرت تفکیک را داشت و به تبعیت از ولی و امام خویش، آمریکا را به‌عنوان بزرگ‌ترین دشمن آشکار معرفی کرده و برخی کشورهای فریب‌خورده خاورمیانه را دشمن اصلی نمی‌دانست؛ بلکه تلاش می‌کرد راه مسالمت و روشنگری را نسبت به آنان در پیش گیرد به همین دلیل سفرهای بسیاری به صورت آشکار و مخفیانه در برنامه‌های خود گنجانده و در پی ایجاد صلح و آرامش در منطقه و ایجاد وحدت و همدلی برای مبارزه با شیطان بزرگ بود، این شهید سرافراز حتی داعشی‌ها را عده‌ای فریب‌خورده (چه در بعد اعتقادی و چه از نظر مادی و دنیوی) دانسته و در میدان‌های نبرد تأکید داشتند که افراد کمتری از دشمن کشته شوند.

شرط دوم بصیرت سیاسی این است که هیچ‌گاه، نباید دشمن را کوچک شمرد؛ شهید سلیمانی می‌دانست که اگر چه دشمن ممکن است ضعیف باشد؛ اما هرگز نباید وی را کوچک شمرد، این نگاه هم دقیقاً برگرفته از مکتب حضرت علی (ع) است؛ زیرا حضرت در این باب می‌فرمایند: «لاتَستَصغِرَنَ عَدُوّاً و إن ضَعُفَ» (آمدی، ۱۴۱۰) هرگز دشمنی را کوچک مشمار، هرچند ضعیف باشد. در جای دیگری نیز فرمودند: «لا تَأمَنْ عَدُوّاً و إن شَکَرَ» (همان) از دشمن در امان نباش، هرچند از شما سپاسگزاری کند، یعنی هر چند در ظاهر و با زبان، از شما سپاسگزار است؛ اما نباید دست‌کم گرفته شود. شهید سلیمانی با تشریح دیدگاه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) تأکید داشت که قدرت امریکا رو به افول بوده و ابهّت خود را ازدست‌داده است؛ اما درعین‌حال، باید با دقت آن‌ها و برنامه‌هایشان را زیر نظر داشت.

شرط سوم این است که شهید سلیمانی، با بصیرت انقلابی که از آن بهره می‌برد لحظه‌ای از دشمن غافل نشد و شبانه‌روز به مبارزه ادامه داد و در تحقق گفتمان حضور دائمی در صحنه، لحظه‌ای دست از جهاد بر نداشت، زیرا می‌دانست اگر لحظه‌ای غفلت صورت گیرد، چه‌بسا ضربه‌های آسیب‌ناپذیری از ناحیه دشمن وارد شود. هوشیاری و تلاش شبانه‌روزی و دوری از غفلت و راحت‌طلبی، لازمه اقتدار در مقابل دشمن و ناکام ساختن حملات و ناامید کردن دشمن در پیروزی است، همان‌طور که امام علی (ع) فرمودند: «مَن نامَ عَن عَدُوِّهِ أنبَهَتهُ المَکایِدُ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳) کسی که از دشمن غفلت کند، حیله‌ها و کیدهای دشمن بیدارش خواهد ساخت.

شرط چهارم اینکه سلیمانی می‌دانست که نباید به دشمن اعتماد کرد حتی اگر او وعده و قراردادی را امضا کرده باشد امضای او اعتباری ندارد چرا که پایبند به تعهدات و وعده‌های خود نیست، امام علی (ع) نیز در عهدنامه بعد از آن که مالک را سفارش به

پذیرش صلح شرافتمندانه می‌کند، می‌فرماید: «وَ لکِنَ الحَذَر کُلَ الحَذَر! مِن عَدُوکَ بَعدَ صُلحِه فَاِنَ العَدُو رُبَما قارَبَ لِیَتَغَفَلَ فَخُذ بِالحَزم وَ اتَهِم فِی ذلِکَ حُسنَ الظَن» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳) زنهار! هشدار! سخت از دشمنت پس از پذیرش صلح برحذر باش، چرا که دشمن گاهی نزدیک می‌شود که غافلگیر سازد؛ بنابراین دوراندیشی را به کار گیر و در این موارد خوش‌بینی را متهم کن. حضرت در این ماجرا بر بدبینی به‌عنوان ملاک رفتار با دشمن تأکید دارند برخلاف بعضی‌ها که می‌گویند ما توهم داریم که علیه ما توطئه است و دشمنی وجود دارد درحالی‌که حضرت به ما هشدار می‌دهند که توهم دشمنی نیست؛ بلکه واقعیتی است که نباید از آن غفلت نمود وجود دشمن با حسن‌ظن و به خواب رفتن ما از بین نمی‌رود. شهید سلیمانی بارها به مسئولان نظام هشدار داد که مواظب تعهدات و قراردادهایتان با دشمنان خصوصاً امریکا باشید از جمله اینکه با بدبینی به قرارداد برجام نگریسته و عهدشکنی امریکا را بارها پیش‌بینی کرده بود.

شرط پنجم بصیرت سیاسی و انقلابی شناخت تاکتیک‌های دشمن است، شهید سلیمانی از جمله فرماندهانی بود که به‌خوبی از انواع تاکتیک‌های دشمن اطلاع کافی داشت البته این شناخت منحصر به میدان‌های نبرد فیزیکی نبود؛ بلکه دیگر انواع مبارزه‌ها از جمله مبارزه در عرصه فرهنگ و رسانه و غیره را می‌شناخت؛ برای نمونه، وی می‌دانست که یکی از ترفندهای دشمن استفاده از شعارها و بهانه‌های عامه‌پسند بوده تا با این ترفند نگاه عامه مردم را تغییر دهند یا مثلاً استفاده ابزاری از چهره‌های مقبول را که یکی دیگر از تاکتیک‌های دشمنان است، می‌شناخت و در تلاش برای آگاهی خواص و عوام بود.

امام علی (ع) به یک مورد از این روش ناجوانمردانه دشمن، چنین اشاره می‌کند: «فَخَرَجُوا یَجرّونَ حُرمة رَسولَ الله صَلَی اللهُ عَلیه وَ آله کَما تَجرّ الأمَة عِندَ شَرائها مُتَوجهین بِها اِلی البَصرة فَحَبَسا نِساءَهُما فِی بُیُوتِهِما وَ اَبرَزا حَبیس رَسُولَ الله لَهُما

وَ لغَیرهما» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۲) پس اینان (ناکثین) شورش کردند درحالی‌که همسر رسول خدا (ص) را همچون کنیزی که برای فروش می‌برند به دنبال خود کشاندند. درحالی‌که همسران خود را در خانه پشت پرده نگه داشتند! (تا از نظر بیگانگان دور بمانند) و پرده‌نشین حرم پیامبر را در برابر دیدگان خود و دیگران قرار دادند. پس ایجاد شبهه، استفاده از جهالت مردم، تبلیغات و جوسازی، فرصت‌طلبی، استفاده ابزاری از مقدسات و... از دیگر ترفندهای دشمن برای ایجاد تسلط و برهم‌زدن وحدت و ایجاد فتنه است.

جان کلام اینکه تشخیص حق و باطل، شناخت دشمن و خنثی کردن نقشه‌ها و تاکتیک های آنها، آمادگی برای سرکوبی تحرکات دشمن و عدم غافلگیری، عدم اهمال کاری و کوچک شمردن دشمن، کشف نقاط ضعف و قوت دشمن، آینده نگری، استقامت و صبر در مسیر حق، تحت تأثیر اکاذیب، شایعات، افتراء، تحریف و تهمت واقع نشدن، پیروزی، اتحاد و همدلی در برابر دشمن و... از ویژگی‌های این سردار اسلام و نشان دهنده بصیرت سیاسی انقلابی او بود.

۳-۳) ویژگی سوم شهید سلیمانی: «ولایت مداری»

عامل بعدی که می‌تواند انقلاب و مردم انقلابی را از پیچ‌های سخت عبور داده و از گرفتاری در فتنه‌ها نجات دهد، پیروی از ولایت، امام جامعه و انقلاب است، این معیار بهترین و امن‌ترین راهکاری است که ما را از شکست در مقابل دشمنان و درافتادن در فتنه و یا بیرون کشیده‌شدن از آن نجات می‌دهد، گوش‌به‌فرمان ولی بودن از اساسی‌ترین شیوه‌هایی است خدای متعال در آیه ۱۸۹ سوره «بقره» می‌فرماید: «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا۟ الْبُيُوتَ مِن ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا۟ الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَٰبِهَا» یعنی نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند، و به خانه‌ها از در

[ورودی] آنها درآیید. اگرچه سبب نزول این آیه، خاص است و در نکوهش یکی از عادت‌های غلط جاهلی به هنگام احرام، نازل شده؛ اما همچنان‌که مفسّران بر آن تأکید کرده‌اند، معنای آیه عام است و مراد این است که برای اقدام در هر کاری، خواه دینی باشد یا دنیوی، انسان باید از طریق درست وارد آن شود؛ نه از راه‌های انحرافی و مشکوک. امام باقر علیه‌السلام در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «یعنی هر کاری را از اهلش (امام) وارد شوید.» (طبرسی، ۱۴۰۶)

ولایت مداری در کلام امیر علیه‌السلام بارها مورد اشاره قرار گرفته از جمله اینکه حضرت می‌فرماید: «أَیُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفُنِ النَّجَاةِ وَ عَرِّجُوا عَنْ طَرِیقِ الْمُنَافَرَةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۵) ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات درهم بشکنید، و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید. مراد از کشتی‌های نجات، همان اهل البیت علیهم‌السلام که مصداق کامل ولایت هستند، می‌باشد؛ چرا که تبعیت از ولایت موجب وحدت بین مردم شده و فتنه ها را از بین می‌برد.

حضرت علی (ع) به‌صراحت بر اطاعت از امام و پیشوا تأکید کرده و می‌فرمایند: «عِنْدَ ذَلِکَ... فَإِنْ أَطَعْتُمُونِی فَإِنِّی حَامِلُکُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَی سَبِیلِ الْجَنَّةِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) یعنی در پیدایش فتنه‌ها... اگر از من پیروی کنید، به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد. زیرا در زمان فتنه و ایجاد شبهه، وظیفه رهبران جامعه، شفاف سازی و روشنگری است که باید حقایق را به گوش مردم برسانند و آنان را از نقشه های شوم و ترفند دشمنان آگاه سازند وظیفه مردم در این حوادث ثبات قدم با تأسی از ولایت بوده و باید همان مسیری را که ولی نشان می‌دهد، برگزینند.

امیرالمؤمنین (ع) در بخشی از خطبه ۳۸ ضمن تعریف شبهه، می فرمایند خواص دیندار با بصیرت در فتنه ها متزلزل نمی شوند و پیرو نور خدا بوده و ثابت قدمند (در نتیجه

می‌توانند اثرگذار باشند و این ثبات و یقین خود را به جامعه تزریق کنند): «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الشُّبْهَةُ شُبْهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ فَأَمَّا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَضِيَاؤُهُمْ فِيهَا الْيَقِينُ وَ دَلِيلُهُمْ سَمْتُ الْهُدَى...» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸) شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. امّا نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات، یقین است، و راهنمای آنان مسیر هدایت الهی است.

نگارنده، واژگان و جمله‌هایی که بر این صفحه نگاشته می‌شوند قاصر و درمانده‌اند که چگونه این ویژگی سردار را به رشته تحریر درآورند، در یک جمله می‌توان گفت که شهید سلیمانی ذوب در ولایت بود، او مسیری جز مسیر ولایت نمی‌شناخت و کلامی جز کلام رهبرش را مدنظر نداشت و با تمام وجود، خود را سرباز و یاور رهبر می‌دانست و دیگران را توصیه می‌کرد که: نایب حضرت حجت (عج) را تنها نگذاشته و گوش‌به‌فرمان او باشید البته خود وی با تمام وجود به این توصیه‌ها عمل می‌کرد.

نقش سردار در حفظ پرچم انقلاب، آن‌قدر حائز اهمیت و پررنگ است که پس از شهادتش نامی جز نام مالک‌اشتر علی (ع) نمی‌تواند ارزش و اهمیت جایگاه او را نشان دهد؛ مالک‌اشتر روزگار ما به‌هیچ‌وجه سخنی مبهم که بتوان ذره‌ای از آن برداشت عدم همسویی با ولایت احساس کرد، بر زبان نراند و در بروز فتنه‌ها همیشه روشنگر و حامی رهبری بود، قاطعانه در مقابل فتنه‌گران ایستاد و تن به مصلحت‌های عوام‌فریبانه نداد و به تعبیر مقام معظم رهبری، شفاف و صریح بود.

نگاهی به مکتب و سیره حضرت علی (ع) نشان می‌دهد که برخورد ایشان با فتنه و فتنه‌گران به‌گونه‌ای بود که صراحت و شفافیت داشته و به‌دوراز مصلحت‌های بی‌مورد، فتنه‌گران را رسوا کرده و پرده از رخشان برمی‌کشیدند همچنان که در مورد عثمان، طلحه، زبیر، عایشه و... به‌صراحت فرموده‌اند: «من شما را از موضوع عثمان به‌گونه‌ای که

شنیدنش چون دیدن آن باشد آگاه می‌سازم؛ مردم بر او خرده گرفتند و من یکی از مهاجرین بودم که بیشتر از او می‌خواستم رضایت مردم را جلب نماید و کمتر سرزنشش می‌کردم. اما «طلحه» و «زبیر» آسان‌ترین کارشان آن بود که بر او بتازند و نرم‌ترین برنامه‌شان اعمال فشار بر وی بود. عایشه هم ناگهان خشم درونی‌اش را نسبت به وی آشکار کرد، سپس گروهی برای کشتن عثمان مهیا شدند و او را کشتند». (نهج‌البلاغه، نامه ۱)

امام (ع) همچنین در مذمت ناکثین که پیوسته بر طبل مخالفت می‌کوبند و پس از روشن‌شدن حق، بر فتنه‌گری پافشاری دارند، می‌فرماید: «إِنَّهَا لَلْفِئَةُ الْبَاغِيَةُ فِيهَا الْحَمَأُ وَ الْحُمَّةُ وَ الشُّبْهَةُ [الْمُغْدَفَةُ] الْمُغْدِفَةُ وَ إِنَّ الْأَمْرَ لَوَاضِحٌ وَ قَدْ زَاحَ الْبَاطِلُ عَنْ نِصَابِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۷) یعنی همانا ناکثین (اصحاب جمل) گروهی سرکش و ستمگرند، خشم و کینه، و زهر عقرب، و شبهاتی چون شب ظلمانی در دل‌هایشان وجود دارد در حالی که حقیقت پدیدار و باطل ریشه کن شده است. این روش باعث می شود که عامه مردم از سردرگمی و حیرت بیرون آمده و با تاسی به رهنمودهای رهبرشان، بتوانند فتنه را بشناسند و از دایره فتنه گران بیرون آیند.

سردار سلیمانی معتقد بود که برخورد قاطع و البته به موقع، یکی از راهکارهای برون‌رفت از فتنه و نجات جامعه از دست فتنه‌گران است سستی و تأخیر در برخورد با فتنه و فتنه‌گر موجب فراگیر شدن آن شده و امکان مهار آن را دشوار می‌کند؛ لذا باید با شجاعت و جسارت در مقابل فتنه و فتنه‌گران ایستاد و به تعبیر حضرت علی (ع) چشم فتنه را از حدقه بیرون کشید؛ زیرا یکی از افتخارات امیرالمؤمنین (ع) برخورد قاطع با فتنه بوده که در این باره می‌فرمایند: « فَإِنِّي فَقَأْتُ عَيْنَ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِئَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي بَعْدَ أَنْ مَاجَ غَيْهَبُهَا وَ اشْتَدَّ كَلَبُهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۹۳) یعنی من بودم که چشم

فتنه را کور کردم، و کسی جز من بر آن جرأت نداشت، بعد از آنکه تاریکی فتنه‌ها همه جا را گرفته، و سختی‌های آن رو به فزونی نهاده بود.

۴- نتیجه گیری

نتیجه‌ای که از این مقاله حاصل می‌شود این است که هر جامعه و انقلابی برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش، نیازمند وجود الگوهای جامع و نیروهای تربیت شده انقلابی است افرادی که هم به اصول و مبانی انقلاب آگاهی داشته باشند و هم قدرت تحلیل و دفاع از آن مبانی را داشته باشند و هم در عمل پایبند به ارکان بوده و در میدان‌های مختلف در صحنه باشند. یکی از نمونه‌های بارز تربیت‌یافته در مکتب انقلاب اسلامی، شهید قاسم سلیمانی است که می‌توان این شهید عزیز را با معیارها و مبانی اعتقادی و انقلابی مورد مطابقت و ارزیابی قرار داد و مشخص شد آن سردار رشید اسلام، نمونه کاملی از شخصیت تراز دین و انقلاب است و مطابقت کامل ویژگی‌های شخصیتی آن فرمانده سرفراز اسلام از جمله تقوا و دیانت، بصیرت و ولایت‌مداری، با سخنان امام علی (ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه، نشان می‌دهد که شهید سلیمانی، برای همیشه، الگوی راستین جبهه اهل حق و انقلاب خواهد بود؛ زیرا در مسیر خود انحراف و کوتاهی نداشته است و این بیت جامی شایسته اوست:

پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت
افـروخـتن و سـوخـتن و جـامـه دریـدن

فهرست الفبایی منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، تصحیح مهدی رجایی، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم: دار الکتاب الإسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۹۹۵)، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.

ابن‌ابی‌الحدید (۱۳۸۰)، *شرح نهج‌البلاغه*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.

جعفری، محمدرضا (۱۴۰۰)، *حاج قاسم؛ زندگی و مبارزات سردار سلیمانی*. تهران: سوره مهر.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، *انقلاب اسلامی و جبهه حق*. قم: مرکز نشر اسراء.

حسینی، مهدی (۱۳۹۹)، *فرمانده بی‌مرز؛ بررسی نقش حاج قاسم سلیمانی در امنیت منطقه‌ای*. تهران: نشر معارف.

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴)، *الدرّ المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: مکتبة آیت‌الله المرعشی النجفی(ره).

شریعتی، علی (۱۳۹۸)، *جامعه‌شناسی هویت اسلامی*. تهران: انتشارات قلم.

طباطبایی، محمّدحسین (۱۳۷۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۲)، *مبانی حکومتی در نهج‌البلاغه*. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو.

عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، *تفسیر عیاشی*، تحقیق هاشم رسولی، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة

کاشف الغطاء، هادی (۱۳۵۴ق)، *مستدرک نهج‌البلاغة*، بیروت: مکتبه الاندلس.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدُرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳)، *میزان الحکمة*، قم: دار الحدیث

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، *انسان و الگوهای تربیتی*. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *پیرامون انقلاب اسلامی*. تهران: صدرا.

Martyr Qassem Soleimani; A Model for the Front of Truth and Revolution from the Perspective of Nahjul-Balagha

Mahdi Moradian [۱]
Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Date of Receipt: ۰۱/۱۲/۲۰۲٤
Date of Acceptance: ۰٦/۰۲/۲۰۲٥

Abstract

One of the surest ways to protect the ideals of religion and revolution is to train self-made and insightful forces and commanders on the path of revolution. The hostility of the enemies, narrow-mindedness and ignorance of friends, lack of sufficient insight and accurate and meticulous distinction between right and wrong, and dozens of other factors, have always caused challenges for the movements defending the front of truth and the revolutionaries. Introducing Martyr Qassem Soleimani as a prominent model and in accordance with the indicators that Imam Ali (AS) has mentioned in Nahjul-Balagha, can be useful and effective in realizing and advancing the goals of the revolution and the Front of Truth.

Using a descriptive-argumentative method, this article examined this question: What should be done to prevent the Islamic Revolution from being coveted by enemies and hegemons from outside and to prevent the people of society from being insecure and plagued by division and the resulting losses? The results of this research showed that martyr Qasem Soleimani, while complying with the indicators presented in Nahjul-Balagha, namely piety, insight, and Loyalty to the Supreme Leader, is the very personality that was approved by Imam Ali (AS) and is a model for the front of truth and the revolution.

Keywords: Nahjul-Balagha, Front of Truth, Piety, Insight, Loyalty to the Supreme Leader, Qasem Soleimani

۱-Corresponding Author: mahdimoradian۵۸@gmail.com